شنبه
۱۸ بهمن ۱۴۰۴- ۱۸ شعبان ۱۴۴۷ - ۷ فوریه ۲۰۲۶- شماره ۲۹۹۴-پیاپی ۴۳۱۲

صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی-۱۰۸)
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز

بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

اقتصاد در محاصره تعطیلی‌ها

در یک سال اخیر، تعطیلی‌های مکرر در ایران به دلایل مختلفی مانند؛ قطعی اینترنت بین‌الملل، قطع برق و گاز و برودت یا گرمای شدید هوا به معضلی ساختاری بدل شده است که بخش‌های مهمی از اقتصاد کشور را هدف گرفته است. این توقف‌های بی‌سابقه و پیوسته، به ویژه در بخش‌های دیجیتال و کسب و کارهای آنلاین، زیان‌های هنگفت مالی و اجتماعی ایجاد کرده‌اند، به طوری که مسئولان و کارشناسان هشدار می‌دهند اگر این روند ادامه یابد، پیامدهای شدید اقتصادی خواهد داشت و بنگاه‌زایی در کشور به طور جدی تخریب خواهد شد.

فراتر از «اختلال مقطعی»

قطع یا محدودسازی اینترنت در ایران، در سال‌های اخیر از یک «اختلال مقطعی» عبور کرده و به متغیری ساختاری در معادلات اقتصادی و فناورانه کشور تبدیل شده است.

اقتصاد دیجیتال ایران که بخش قابل‌توجهی از آن بر بستر اینترنت بین‌الملل شکل گرفته، در دوره‌های خاموشی با کاهش شدید فروش، افت تراکنش‌های مالی، اختلال در زنجیره تأمین دیجیتال و از دست رفتن ارتباط با بازارهای داخلی و خارجی مواجه شده است.

برآوردهای رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد هر روز قطعی یا محدودیت شدید اینترنت، ده‌ها میلیون دلار خسارت مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد کشور وارد می‌کند که این خسارت تنها به کسب‌وکارهای آنلاین محدود نمی‌شود و صنایع وابسته به فناوری، خدمات دانش‌بنیان، استارتاپ‌ها و شرکت‌های فناور را نیز دربرمی‌گیرد. در این میان، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دیجیتال که فاقد منابع مالی و زیرساخت‌های جایگزین هستند، بیشترین آسیب را متحمل شده و در مواردی ناچار به تعدیل نیرو، تعلیق فعالیت یا خروج از بازار شده‌اند.

در سطحی عمیق‌تر، محدودسازی اینترنت پیامدهایی فراتر از زیان‌های کوتاه‌مدت اقتصادی دارد. پروژه‌های فناورانه و به‌ویژه حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، داده‌کاوی و رایانش ابری به اتصال پایدار، دسترسی به داده‌های به‌روز، سرویس‌های بین‌المللی و همکاری‌های علمی و صنعتی فرامرزی وابسته‌اند. اختلال در این اتصال، روند آموزش و بروزرسانی مدل‌های هوش مصنوعی را کند کرده، مشارکت در پروژه‌های مشترک علمی و فناورانه را محدود ساخته و هزینه توسعه فناوری را به‌طور معناداری افزایش داده است؛ موضوعی که در نهایت به کاهش رقابت‌پذیری فناوری کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی منجر می‌شود.

از این منظر، قطعی اینترنت صرفاً یک مسئله ارتباطی یا امنیتی نیست، بلکه عاملی تعیین‌کننده در آینده اقتصاد دیجیتال، زیست‌بوم نوآوری و مسیر توسعه هوش مصنوعی در ایران به شمار می‌آید؛ عاملی که تداوم آن می‌تواند شکاف میان توان بالقوه نیروی انسانی متخصص و امکان بالفعل‌سازی این توان در داخل کشور را عمیق‌تر کند.

به اعتقاد متخصصان، در اختلال‌های جزئی، کسب‌وکارها آسیب می‌بینند اما زنده می‌مانند ولی در خاموشی کامل، سیستم‌ها فرصت تطبیق ندارند و مرگ ناگهانی رخ می‌دهد.

هزینه‌های پنهان مردم

یکی از ابعاد این بحران، تعطیلی‌های مکرر ادارات و خدمات عمومی است که مردم را برای انجام امور ساده مجبور به سفرهای طولانی و تحمل هزینه‌های اضافی می‌کند. قطعی‌های انرژی (برق و گاز) و افزایش برودت هوا موجب شده بسیاری از مراکز خدماتی حتی در پایتخت نیز ناگاه تعطیل شوند، در حالی که مردم با هزینه و زمان بسیار به این مراکز مراجعه کرده‌اند. این وضعیت علاوه بر هزینه مستقیم، اعتماد عمومی و بهره‌وری اجتماعی را کاهش داده است.

تعطیلی‌های مکرر و پی‌درپی، فراتر از خسارت مستقیم به تولید و تجارت، به یکی از مخرب‌ترین عوامل فرسایش رفاه عمومی و کارایی نظام اداری در کشور تبدیل شده است. در بسیاری از موارد، شهروندان از شهرها و استان‌های مختلف با صرف هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل، اقامت و زمان، خود را به مراکز اداری و خدماتی می‌رسانند؛ اما در نهایت با درهای بسته و تعطیلی‌های ناگهانی روبه‌رو می‌شوند.

این وضعیت نه‌تنها هزینه‌های مستقیم خانوار را افزایش داده، بلکه به شکل گسترده‌ای موجب اتلاف سرمایه زمانی، افزایش فشار روانی، بی‌اعتمادی به نهادهای خدماتی و کاهش کیفیت زندگی شده است. تعطیلی‌های غیرقابل پیش‌بینی عملاً برنامه‌ریزی اقتصادی خانوار و بنگاه را مختل کرده و بخشی از جامعه را وارد چرخه‌ای از سردرگمی اداری و ناکارآمدی نهادی کرده است.

از منظر کلان اقتصادی نیز، تعطیلی‌های گسترده و ناهماهنگ به معنای کاهش ساعات مفید کار، افت بهره‌وری نیروی انسانی و افزایش هزینه سربار بنگاه‌ها است. بسیاری از واحدهای خدماتی، دفاتر فنی، شرکت‌های خصوصی و کارگاه‌های تولیدی در روزهای تعطیلی اجباری با کاهش شدید درآمد بدون کاهش هزینه‌های ثابت مواجه می‌شوند؛ وضعیتی که در نهایت به تعدیل نیرو، کاهش دستمزد واقعی و تضعیف امنیت شغلی منجر می‌شود.

در سطح اجتماعی، تداوم این شرایط به‌تدریج موجب افزایش نارضایتی عمومی، گسترش اقتصاد غیررسمی، تعویق سرمایه‌گذاری و تضعیف سرمایه اجتماعی شده است؛ پدیده‌ای که آثار آن به مراتب عمیق‌تر و ماندگارتر از خسارت‌های مقطعی مالی خواهد بود.

نگاهی به آمار رسمی خسارت قطعی اینترنت

بخشی از بحران اقتصادی اخیر با قطعی اینترنت بین‌الملل شدت یافته است؛ موضوعی که به ویژه در دی و بهمن ماه ۱۴۰۴ و در پی رخدادهای اخیر شدت گرفته است. آمارها از چند منبع مختلف بیانگر میزان خسارت‌های سنگین هستند.

آمار مسئولان و نهادهای رسمی

علی حکیم‌جوادی، رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای در اوایل بهمن‌ماه ۱۴۰۴ اعلام کرده که هزینه خسارت روزانه قطعی اینترنت بین ۲ تا ۳ هزار میلیارد تومان است؛ رقمی که به گفته وی حتی تمامیت خسارت اقتصادی را برنمی‌پوشاند و بخش‌های دیگری از آن محاسبه نشده است.

همچنین اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی (نماینده بخش خصوصی) گزارش داده که در ده روز ابتدایی تداوم قطعی اینترنت، به طور متوسط روزانه حدود ۳.۸ همت (۳۸۰۰ میلیارد تومان) خسارت به کسب‌وکارها وارد شده که در مجموع نزدیک به ۴۰ هزار میلیارد تومان می‌شود.

با این وجود، آمار رسمی برخی مقام‌های دولتی (از جمله معاونان وزارت ارتباطات) برآوردهای کمتری ارائه داده‌اند که نشان‌دهنده تفاوت دیدگاه دولت و بخش خصوصی در برآورد خسارت‌هاست.

همچنین برآوردهای بین‌المللی نیز نشان می‌دهند که قطعی‌های اخیر اینترنت چند صدمیلیون دلار خسارت مستقیم به اقتصاد ایران وارد کرده است. به طوری که براساس تحلیل‌های رسانه‌های بین‌المللی و انجمن‌های فناوری، قطعی اینترنت بین‌المللی از اوایل ژانویه ۲۰۲۶ (۱۸ دی ۱۴۰۴) موجب خسارت مستقیم اقتصادی بیش از ۲۰ میلیون دلار در روز شده است که معادل تقریباً ۲ تا ۳ هزار میلیارد تومان با نرخ روز است.

مجموع خسارت در این دوره نیز به بیش از ۳۷۰ میلیون دلار (بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان) برآورد شده است، رقمی که تنها زیان مستقیم را شامل می‌شود و اثرات بلندمدت، سرمایه‌گذاری و بی‌اعتمادی کسب‌وکارها را دربرنمی‌گیرد.

این آمارها نشان می‌دهند که قطعی اینترنت نه فقط برای بخش دیجیتال بلکه برای کل زنجیره تولید و خدمات کشور هزینه‌ساز بوده و با ادامه این شرایط، خسارت‌ها می‌تواند بسیار بیشتر از آنچه اعلام شده باشد.

آسیب کسب‌وکارهای آنلاین

کسب‌وکارهای آنلاین و پلتفرم‌های فروش اینترنتی یکی از بخش‌های اصلی رشد اقتصادی در سال‌های اخیر بوده‌اند. طبق گزارش‌ها، با قطع اینترنت؛ سفارش‌های آنلاین و اینترنتی با کاهش تا ۸۰ درصدی روبه‌رو شده‌اند و برخی گزارش‌ها در رسانه‌های مختلف از کاهش شدید تراکنش‌ها خبر داده‌اند.

همچنین بسیاری از فعالان فضای دیجیتال که برای اشتراک‌های ماهانه یا سالانه هزینه کرده‌اند، خدماتی دریافت نکرده و از این لحاظ نیز زیان مستقیم مصرف‌کننده ثبت شده است. این زیان‌ها به ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SME) که بر اینترنت متکی هستند، به معنای کاهش درآمد، عدم‌توانایی در پرداخت حقوق و ورشکستگی احتمالی بوده است.

از سوی دیگر، فراتر از اینترنت، قطعی برق و گاز سبب شده صنایع تولیدی و خدماتی بارها و بارها تولید و عرضه را متوقف کنند. این وقفه‌ها موجب افزایش هزینه‌های عملیاتی کارخانه‌ها؛ کاهش تولید ناخالص داخلی؛ ناامیدی سرمایه‌گذاران و فرار نیروی متخصص شده‌اند. این پیامدها اگرچه کمتر در رسانه‌ها مطرح می‌شوند، اما در تحلیل‌های کارشناسی اقتصادی به عنوان تهدیدات بلندمدت شناسایی شده‌اند.

راهکارهای پیشنهادی برای مدیریت بحران

کارشناسان و فعالان اقتصادی برای مقابله با این بحران چند راهکار اساسی پیشنهاد داده‌اند که از جمله آنها می‌توان به توسعه زیرساخت‌های پایدار اینترنت و شبکه‌های پشتیبان تا در بحران‌ها ارتباط کسب‌وکارها قطع نشود؛ برنامه مدیریت مصرف انرژی هوشمند برای جلوگیری از تعطیلی‌های ناگهانی و تک‌بعدی؛ شفافیت و ارائه آمار رسمی قابل‌اتکا درباره خسارت‌های ناشی از قطعی‌ها برای سیاست‌گذاری بهتر؛ حمایت مالی و بیمه‌ای برای کسب و کارهای دیجیتال آسیب‌دیده و همچنین تعامل مستمر دولت و بخش خصوصی برای تدوین استراتژی‌های مقاومتی در شرایط بحرانی اشاره کرد.

به هر روی؛ تعطیلی‌های پیوسته و قطعی‌های مکرر اینترنت و انرژی در یک سال اخیر نه فقط یک معضل فنی، بلکه بحران اقتصادی و اجتماعی است که بخش‌های کلیدی اقتصاد کشور را هدف قرار داده است.

آمارهای رسمی و بخش خصوصی نشان می‌دهد خسارت اقتصادی به هزاران میلیارد تومان در روز رسیده است و اگر سیاست‌گذاران در راستای ثبات‌بخشی به زیرساخت‌ها گام‌های جدی برندارند، آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی تداوم خواهد یافت.

سخن پایانی

محدودسازی و یا قطع اینترنت در کشور تنها قطع ارتباط کاربران نیست بلکه شریان اصلی و حیاتی اقتصاد دیجیتال و پروژه‌های فناورانه را هدف گرفته و به اعتقاد متخصصان خسارات ناشی از قطع اینترنت علاوه بر کسب‌وکارهای آنلاین، آینده اقتصاد دیجیتال کشور را با ابهام جدید مواجه کرده، ضمن آنکه موجب تعدیل نیرو و تعطیلی استارت‌آپ‌ها و اخراج خاموش پژوهشگران از پروژه‌های خارجی خواهد شد.

یادداشت

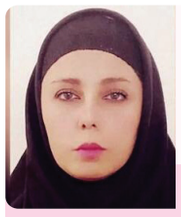

قربانی خاموش فساد اداری

شیدا آریایی‌پور
پژوهشگر حقوقی

فساد اداری همیشه با عدد و رقم شناخته نمی‌شود. همیشه پای اختلاس‌های میلیاردی، قراردادهای رانتی یا پروژه‌های ناکام در میان نیست. گاهی فساد، بی‌سروصدا و خزنده، درست از جایی آغاز می‌شود که کمتر دیده می‌شود. نیروی انسانی. جایی که نه تیتر اول رسانه‌هاست، نه سوژه برخوردهای نمایشی، اما وقتی تخریب می‌شود، دیگر هیچ اصلاحی کارساز نخواهد بود. نیروی انسانی، قربانی خاموش فسادی است که سال‌هاست در ساختار اداری کشور ریشه دوانده و حالا آثار آن به شکل فرسایش سازمان‌ها و فروپاشی اعتماد عمومی نمایان شده است. در تمام سال‌هایی که پرونده‌های حوزه صنعت، معدن و تجارت بررسی شده، یک الگوی تکرارشونده به‌وضوح دیده می‌شود هرجا فساد تثبیت شده، پیش از آنکه در حساب‌ها و قراردادها خود را نشان دهد، نیروی انسانی قربانی شده است. سازمان‌ها نه با کمبود قانون، بلکه با تخریب سیستماتیک سرمایه انسانی زمینگیر شده‌اند. نیروی انسانی فقط «کارمند» نیست حافظه نهادی، منبع دانش انباشته، موتور بهره‌وری و ستون اعتماد عمومی است. وقتی این ستون فرو می‌ریزد، تزریق منابع مالی، تغییر مدیر یا بازنویسی آیین‌نامه‌ها، چیزی را نجات نخواهد داد. خطرناک‌ترین شکل فساد در حوزه منابع انسانی، حذف تدریجی و سیستماتیک شایسته‌سالاری است. استخدام، ارتقا و انتصاب، به‌جای آنکه بر پایه تخصص، تجربه و عملکرد باشد، به محصول رابطه، توصیه، فشار بیرونی و بده‌بستان‌های غیررسمی تبدیل شده است. پیام این سازوکار به کارکنان روشن است: تلاش حرفه‌ای بی‌فایده است. مسیرِ پیشرفت نه از کارآمدی، بلکه از وفاداری می‌گذرد. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که انگیزه سازمانی فرو می‌ریزد و بی‌تفاوتی جای تعهد را می‌گیرد. فساد منابع انسانی، فقط در استخدام‌های مسئله‌دار خلاصه نمی‌شود. نظام ارزیابی عملکرد نیز به یکی از ابزارهای اصلی فساد تبدیل شده است. ارزیابی‌هایی که باید معیار بهبود باشند، در بسیاری از سازمان‌ها به سلاح حذف نیروهای مستقل و ابزار تثبیت حلقه‌های بسته مدیریتی بدل شده‌اند. امنیت شغلی نه بر اساس قانون و عملکرد، بلکه برمبنای نزدیکی یا فاصله با مدیران تعریف می‌شود. نتیجه، شکل‌گیری فرهنگی است که در آن سکوت ارزش محسوب می‌شود و خلاقیت، هزینه‌ساز است. سازمانی با چنین فرهنگی، محکوم به تصمیم‌های غلط و تکرار خطاست. یکی دیگر از نشانه‌های بارز فساد ساختاری، تورم نیروی انسانی ناکارآمد در کنار تضعیف نیروهای متخصص است. استخدام‌های مازاد، نیروهای سفارشی و پست‌های بی‌کارکرد، سازمان را سنگین، کند و ناکارآمد می‌کند. در مقابل، نیروهای کارآمد با حجم کاری غیرمنطقی، فرسودگی شغلی و احساس عمیق بی‌عدالتی مواجه می‌شوند. این شکاف، دیر یا زود به خروج سرمایه انسانی منجر می‌شود؛ خروجی که اغلب بی‌سر و صداست، اما هزینه آن برای سازمان و کشور، بسیار سنگین است.

در بسیاری از پرونده‌های حوزه صنعت، معدن و تجارت، فساد مدیریتی پیش از آنکه در قراردادها یا آمارهای مالی دیده شود، در چیدمان نیروی انسانی قابل ردیابی بوده است. مدیرانی که با حلقه‌ای بسته از نیروهای همسو کار می‌کنند، عملاً سازمان را از نظارت درونی و نقد کارشناسی تهی می‌سازند. وقتی همه تصمیم‌ها در یک دایره محدود گرفته می‌شود، خطا اصلاح نمی‌شود، بلکه بازتولید می‌گردد. چنین ساختاری نه‌تنها مستعد فساد است، بلکه آن را به یک رویه عادی تبدیل می‌کند.

از منظر حقوقی، بستر این فساد کاملاً شناخته‌شده است: نبود شفافیت. آیین‌نامه‌های مبهم، فرآیندهای غیرشفاف استخدام و ارتقا، نبود دسترسی عمومی به اطلاعات و ناکارآمدی سازوکارهای رسیدگی به شکایات، باعث شده تخلف در حوزه منابع انسانی کم‌ریسک و کم‌هزینه باشد. کارکنانی که تخلف را می‌بینند، یا سکوت می‌کنند یا سازمان را ترک می‌کنند چراکه هیچ تضمین واقعی برای حمایت از گزارش‌دهندگان فساد وجود ندارد. پیامدهای این وضعیت، محدود به داخل سازمان‌ها نمی‌ماند. تضعیف نیروی انسانی مستقیماً به افت کیفیت خدمات، افزایش نارضایتی عمومی و گسترش بی‌اعتمادی اجتماعی منجر می‌شود. جامعه‌ای که می‌بیند تخصص جایگاهی ندارد و رابطه تعیین‌کننده است، به‌تدریج از مشارکت مؤثر فاصله می‌گیرد. این همان نقطه‌ای است که فساد اداری، از یک مسئله سازمانی به یک بحران اجتماعی تبدیل می‌شود. نقد اصلی اینجاست: تا زمانی که مبارزه با فساد به چند پرونده مالی پرسر و صدا محدود شود و فساد در منابع انسانی نادیده گرفته شود، هیچ اصلاح پایداری رخ نخواهد داد. تغییر مدیر بدون اصلاح ساختار نیروی انسانی، فقط جابه‌جایی صورت مسئله است. سازمانی که نیروهایش را بر اساس وفاداری انتخاب می‌کند، ناگزیر به تصمیم‌های نادرست و پرهزینه خواهد رسید. راه اصلاح روشن است، اما پرهزینه و نیازمند اراده سیاسی واقعی.

شفافیت کامل در استخدام و ارتقا، استقلال واقعی واحدهای منابع انسانی، تعریف شاخص‌های عینی ارزیابی عملکرد و تضمین امنیت شغلی نیروهای متخصص، پیش‌شرط هر تحول جدی است. مهم‌تر از همه، باید این واقعیت پذیرفته شود که نیروی انسانی ابزار مدیریت نیست؛ سرمایه عمومی است. فساد در نیروی انسانی شاید پرهیاهو نباشد، اما ویرانگرترین نوع فساد است. فسادی که آینده را می‌بلعد، اعتماد را تحلیل می‌برد و سازمان را از درون تهی می‌کند. اگر قرار است اصلاحی واقعی رخ دهد، باید از همین‌جا آغاز شود؛ از جایی که سال‌هاست قربانی خاموش تصمیم‌های نادرست و بی‌مسئولیتی مدیریتی بوده است.